

آسیب‌های اجتماعی که در دوران کرونا گریبان‌گیر زنان سرپرست خانواده شد!

22 دی 1400

این روزها و در اثنای خستگی خانواده‌ها و پس از دوره طولانی بیماری همه‌گیر کووید 19 و شروع زنگ خطر، برای جامعه زنان به خصوص زنان سرپرست خانوار، معضلی به نام نگرش‌های منفی اجتماعی نسبت به زن سرپرست خانواده پر رنگ شده که نگرانی آنها، نسبت به آینده فرزندان و تعداد و تعارض نقش‌شان در جامعه را بیشتر و بیشتر کرده و گاه هویت سرپرستی‌شان هم دستخوش بی‌مهری‌هایی شده که مغایر با فرامین اسلامی است.

فقر و فقدان پیوندهای اجتماعی و در نتیجه، تجربه آنها از فشار و عدم دریافت حمایت مناسب، چه از نوع رسمی و چه از نوع غیررسمی، این **زنان** و فرزندان‌شان را در معرض آسیب قرار می‌دهد و این آسیب‌ها تهدیدی برای زنان سرپرست خانوار به حساب می‌آیند، چرا که شرایط و زمینه‌های مناسب به‌ویژه در بستر اقتصادی و محیطی که زنان سرپرست خانوار در آن احساس امنیت اجتماعی داشته باشند، به چشم نمی‌خورد و قانون‌های مغفول مانده حوزه زنان سرپرست خانوار، همچنان در بستر ماده و تبصره‌های بی‌اساس، رنگ و بوی خود را از دست می‌دهند.

همین مشکلات و موانعی که در دنیای بیرون بر سر راه سرپرستی زنان به وجود آمده، باعث می‌شود تا زنان سرپرست خانوار به عنوان قشری آسیب‌پذیر شناخته شده و در تمامی زمینه‌ها حمایت‌های اجتماعی کمتری را دریافت می‌کنند. آمارها حکایت از آن دارد که حدود 14 درصد از **خانوارهای ایرانی** را زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهد و در این میان زنانی با مدارج تحصیلی بالا هم به چشم می‌خورند و البته زنانی با مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عدیده و حال در پی شناخت آسیب‌های درونی و بیرونی‌شان این سؤال مطرح می‌شود که کدام گام و قانون را برای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار برداشته‌ایم؟ و برایشان که هم پدرند و هم مادر، هم کارمند هستند و هم کارگر، هم فرزندان و هم آسیب‌پذیر، به واقع چه کرده‌ایم؟

مگر نه آنکه هر کدام به دنبال پناهگاهی برای **امنیت اجتماعی و روانی** خود بوده‌ایم؟ حالا که در کوره راه غفلت از این زنان خسته جان، گام برداشته‌ایم، حداقل دستی باشیم بر آرامش‌شان نه آتشی بر جان نحیفشان! و این یعنی حمایت همه‌جانبه دولت، نهادهای خصوصی و همه آحاد مردم. تا حدی که کمک‌رسانی به آنها چیزی فراتر از کمک‌های مالی را در بر می‌گیرد که توانمندسازی و مهارت‌آموزی زنان سرپرست خانوار، یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن است.

حمایت‌هایی که دولت بر پایه قوانین بودجه سالیانه از زنان سرپرست خانوار دارد، بسیار ناچیز و اندک است و همین عاملی برای اشتغال اجباری برای آنان می‌شود. دولت باید متناسب با نیاز این زنان و مشاغل مورد نیاز جامعه، مهارت‌های شغلی لازم را به وجود آورده و از دستگاه‌های متولی، ویژه (وزارت

تعاون کار و رفاه اجتماعی و بهزیستی و کمیته امداد- ریاست جمهوری و معاونت زنان و خانواده (به عنوان پشتیبانان این قشر آسیب‌پذیر خواهد تا روند بهبود و تسهیل شغل و امنیت اجتماعی‌شان را تأمین نموده و نگاه ویژه خود را معطوف این عزیزان بدارند، که نکند در تند باد حوادث، کمر خم کرده و از زندگی دست بکشند.

“سیده مرجان دبیری” پژوهشگر و فعال حوزه زنان و خانواده